



گزارش جیبی

حسین بیات

**هیئت‌های باز خوانی و بازبینی**

**جشنواره تئاتر رضوی معرفی شدند**

هیئت‌بازخوانی بخش عروسکی و کودک و نوجوان هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر رضوی شامل داوود کیانیان، علی‌اکبر قاضی‌نظام و شهرام کرمی معرفی شدند. به‌گزارش روابط‌عمومی هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر رضوی حسین فدایی حسین، محمدیار احمدی و عبدالحی شماسی نیز به‌عنوان هیئت‌بازخوان بخش مسابقه ایران و تجربی هفتمین جشنواره تئاتر رضوی معرفی شدند.

هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر رضوی در این دوره با گسترش ابعاد اجرایی و ساختار مسابقات در قالب دوازده بخش شامل بخش‌های مسابقه، تجربی، بین‌الملل، کودک و نوجوان، عروسکی، خیابانی، رادیویی و تلویزیونی، تعزیه و آیین، مسرور، تولید متون نمایشی، پژوهشی، عکس و پوستر تئاتر دینی آیان‌ماه سال جاری در تهران برگزار می‌شود.

این رویداد بین‌المللی با هدف پاسداشت و بازساخت ظرفیت‌های نمایش دینی و فرهنگ رضوی به‌همت مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌اجر ادر می‌آید.

#### خط‌های ایرانی در کتابت قرآن به کار رود

«علی جافری»، مدرس انجمن خوشنویسان مشهد گفت: متأسفانه چشمان ایرانیان به‌طور سنتی به قرآن‌هایی که با نسخ عربی نوشته شده، خو گرفته است و کمتر به خط نسخ ایرانی توجه می‌شود.

وی ادامه داد: نگارش قرآن در کشور چاپ می‌شود با خصوصیات ادبی و هنری ایران هم‌را نیست.

مدرس جهاد دانشگاهی مشهد قدیمی‌ترین قرآن‌هایی که به خط نسخ ایرانی موجود است را از مرحوم «احمد نیری‌زی» دانست و ادامه داد: نگارش قرآن در سال‌های گذشته به خط نسخ ایرانی با مشکلاتی مواجه بوده، اما خوشبختانه این مشکلات در حال حاضر رفع شده است.

وی با بیان اینکه کتابت قرآن با خط نستعلیق مشکلاتی را به همراه دارد، افزود: خط نستعلیق عروس خطوط دنیا است، اما اعراب‌گذاری در خط نستعلیق به دلیل نوع نگارش خاص آن، مشکلاتی را برای کاتب به وجود می‌آورد.

#### «نگاهی به شاهنامه» منتشر شد

کتاب «نگاهی به شاهنامه» تالیف پرفسور فضل‌ا… رضایی از ۳۸ سال با ویرایش جدید به چاپ دوم رسید.

موفق فصل‌های این کتاب را بر اساس موضوعات مجوری که در اشعار فردوسی نهفته است تقسیم‌بندی کرده است و در هر فصل شعرهای متناسب با موضوع آورده و به شرح آن‌ها پرداخته و در ادامه برخی داستان‌های شاهنامه را به زبانی ساده و روان بازگویی کرده است. نویسنده همچنین با اشاره به شعرهایی از سعدی و علامه اقبال لاهوری به تاثیر پذیری این دو شاعر از حکیم طوس پرداخته و به تشابه برخی از مفاهیم فلسفی در اندیشه‌های مولانا و فردوسی نیز اشاره کرده است.وی در ادامه ضمن مقایسه حافظ و فردوسی تفاوت اندیشه‌های این دو شاعر را در تفاوت دو نوع انگاره به جهان می‌خواند.

پرفسور رضا شاگردان زنده‌یاد نصرا… فلسفی است که بیست سال به عنوان استاد هندسه و ریاضی در دانشگاه سیراکیوز آمریکا و سوربن فرانسه مشغول به تدریس بوده است. وی همچنین پنج‌سال به عنوان نماینده ایران در سازمان یونسکو فعالیت کرده است.

#### برگزاری اولین همایش دانشجویی حافظ در مشهد

هم‌زمان با روز بزرگداشت حافظ شیرازی، انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی و قطب علمی فردوسی‌شناسی با همکاری گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه همایش دانشجویی «حافظ» را برگزار می‌کند.

محورهای این همایش نقش حافظ در تحول غزل فارسی، دستور زبان شناسی در شعر حافظ، شیوه‌های نقد ادبی (در حوزه شعر و اندیشه‌ی حافظ)، ادبیات تطبیقی، سبک‌شناسی (با تکیه بر سبک حافظ)، کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی با تکیه بر یافته‌های جدید، نقد و تحلیل عناصر هنری و زیبایی‌شناسی شعر حافظ، جایگاه حافظ در کشورهای دیگر و … شمرده شده‌اند.

تشویق پژوهشگران جوان به گسترش تحقیقات علمی، گفت‌وگو و تبادل نظر شرکت‌کنندگان در عرصه‌های پژوهشی شعر حافظ، آشنایی با تحقیقات جدید در گستره حافظ‌شناسی و توجه به جایگاه حافظ به‌عنوان یکی از مولفه‌های مهم ادبیات کلاسیک فارسی از اهداف برگزاری این همایش است.

مهلت ارسال چکیده مقالات به دبیر‌خانه همایش تا ۱۸ مرداد ماه و مهلت ارسال اصل مقاله ۲۰ شهریورماه امسال است.

#### کتاب راز خاک چاپ شد

کتاب «راز خاک» باهدف آشنایی کودکان با هنر چند هزار ساله ایرانی سفالگری در مشهد به چاپ رسید.

سیدجواد عابدی، روابط‌عمومی سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی گفت: این کتاب به منظور آشنایی کودکان با فنون اولیه هنر سفالگری با زبانی کودکانه و قابل درک برای این سنین و با تصویرگری مناسب به بیان چگونگی گل سفال و ساخت اشیاء کوچک سفالی پرداخته است.

وی ادامه داد: کتاب «راز خاک» که به نویسنده‌ی نسرین ملازم تهیه شده است با همکاری اداره فرهنگی و ارتباطات سازمان متبوع در ۳ هزار نسخه به چاپ رسیده است.

عابدی در پایان از اهدای این کتاب به کتابخانه‌های سازمان‌های مرتبط به امور کودکان و نوجوانان و نیز کانون‌های پرورش فکری کودکان خیر داد.

## نیستان/ادب

■ وحید حسینی

**آقای جعفری، چاپ این گفت‌وگو، بدون مقدمه خواهد بود، چرا که شما به اندازه‌ی کافی برای رمان *خوان‌های ایرانی* و به‌ویژه همشهریان‌تان شناخته‌شده هستید.**
**به‌عنوان اولین سئوال می‌خواهم بدانم «کافه پیانو» را در کدام دسته قرار می‌دهید: ادبیات نخبه‌گرا یا عامه‌پسند؟**

در میان ادبیات به‌اصطلاح نخبه‌گرا و ادبیات به‌اصطلاح پاپولار، کتابم را در زمره ادبیات حد وسط می‌بینم، اساساً من «کافه پیانو» را با همین هدف نوشتم، این که به‌عنوان اثری واسطه بتواند بخش‌هایی از بازار هر دو شکل قضیه را داشته باشد.

**اما با ورود به برخی مسائل در یادداشت‌های ویلاگ شخصی‌تان بخش‌های زیادی از این بازار را از دست می‌دهید!**

من به‌عنوان یک تحلیل‌گر، هنگام نوشتن یادداشت‌های ویلاگم به‌ه خسارات مالی احتمالی فکر نمی‌کنم، درست است که کتابم موجب تحول مالی خیلی خوبی در سازمان زندگیم شده، اما این دستاورد مالی به منزله‌ی این نیست که برایم تعهدی ایجاد کرده که آماده‌ی پذیرش آن نیستم؛ من بازم هم می‌نویسم و معتقدم باز هم کتاب من توسط جمع زیادی خریده خواهد شد، اما این بار توسط مخاطبان جدیدی…

**فکر نمی‌کنید این جمع جدید مخاطبان‌تان کم‌تر از قبل باشند؟**

موقع نوشتن به این که بایک دیدگاه کلی برای طیفی از خواننده‌ها بنویسم توجه نمی‌کنم، مثلاً رایج به «کافه پیانو» یکی می‌گفت توصیفات زائد بوده و دیگری از آن توصیف‌ها به‌عنوان حسن کتاب یاد می‌کرد؛ می‌خواهم بگویم که به مخاطب پاسخ نمی‌دهم اما برای مدیومی که می‌خواهی تولید کنی، طبیعی‌ست

**جایی گفته بودید موقع نوشتن به مخاطب فکر نمی‌کنید، اما به نظر می‌رسد در کتاب‌تان هرگز مخاطبان را از نظر دور نداشته‌اید؟**

موقع نوشتن به این که بایک دیدگاه کلی برای طیفی از خواننده‌ها بنویسم توجه نمی‌کنم، مثلاً رایج به «کافه پیانو» یکی می‌گفت توصیفات زائد بوده و دیگری از آن توصیف‌ها به‌عنوان حسن کتاب یاد می‌کرد؛ می‌خواهم بگویم که به مخاطب پاسخ نمی‌دهم اما برای مدیومی که می‌خواهی تولید کنی، طبیعی‌ست

# من به مخاطب باج نمی‌دهم

**گفت‌وگو با فرهاد جعفری، به بهانه‌ی چاپ بیست و چهارم رمان «کافه پیانو»**



**کار «دنباله‌ی کافه پیانو» به کجا رسید؟ آیا استقبالی که‌از کتاب اول‌تان شد باعث اشباع شمان‌گردیده است؟**
اشباع نیستم، منتظرم میزان فروش کتابم فروکش کند؛ برادر شرایط حاضر چاپ‌رمان «قطار چهاروبیست‌دقیقه‌ی عصر» (دنباله‌ی کافه پیانو) به‌فروش هر دو کتاب ضربه می‌زند. سه‌ماه بعد از انتشار «کافه پیانو» شروع به نوشتن

#### یکی گفت: شاید چون ما خواننده‌ی معمولی هستیم

**نظرمان را قبول نداری، جواب دادم گلشیری که سهل است، حتی اگر سالدینجر یا هاینریش بل هم جای شما بودند پاسخم این بود: اگر بهتر می‌توانی بنویسی، بنویس!**

«قطار چهار و بیست‌دقیقه‌ی عصر» کردم که دو‌ماه‌زمان برده، البته‌دوفصل از آن‌رانگه داشته‌ام برای وقتی که تصمیم جدی به چاپ آن گرفتم. برخلاف نظر شما فروش یک کتاب به‌استقبال اثر بعدی نویسنده کمک می‌کند و هر کدام نیز جای

دادم گلشیری که سهل است، حتی اگر سالدینجر یا هاینریش بل هم جای شما بودند پاسخم این بود: اگر بهتر می‌توانی بنویسی، بنویس! این که نویسنده اظهار کند که نظر خواننده را می‌پذیرد، توضیحی دروغین است. نویسنده باید نادان باشد که دیگری ضعف‌های کارش را به او گوشزد کند. من به آن دوستان گفتم: بیشتر از هر کس، خودنویسنده به ضعف‌هایش آگاه است.

**بزرگ‌مهر می‌گوید: «همه چیز را ممکن دانند و همگان هنوز از مادر زاده‌اند» آیا موردی در «کافه پیانو» وجود ندارد که منتقدان را در یافته‌اما از دید شما پنهان مانده باشد؟**

من نمی‌گویم انتقادی به این کتاب وارد نیست. منظور من این بود که در لحظه‌ی خلق یک اثر هنری ذهن هیچ هنرمند خلاق نمی‌تواند درگیر نقطه‌نظرات

دیگران باشد. در آمریکا نویسنده‌های معتبر کارشان را به ناشرهای معتبر می‌دهند؛ این نویسنده‌ها حتی براساس توصیه‌ی ویراستار چنین ناشرهایی ساختار اثرشان را تغییر می‌دهند چرا که می‌دانند این کسی که با ناشری هم چون «انتشارات پنگوئن» کار می‌کند ویراستار بزرگی است. در ایران وضع به‌گونه‌ای دیگر است؛ در این جا مانند راهگشا نداریم، علاوه بر این معیارهای نقد همواره تغییر می‌کند؛ چرا من باید کتاب گذاشتم.

به‌تواضع دروغین معتقدنیستم اما تواضع عملی را بساورد دارم. هیچ نویسنده‌ای به اندازه‌ی من در برابر خوانندگان‌اش متواضع نبوده؛ هرکسی که خواسته به او شماره و تلفن‌ام را داده‌ام و برای جواب‌دادن به نامه‌های دریافتی از خوانندگان مدت‌هاوقت گذاشتم. در نشست‌هایی که در یکی از کافه‌های‌گزار می‌شد دوستان از من شاکی بودند که به آن‌ها احترام نمی‌گذارم. گفتم: شما رنگ و بوی خود را در کتاب‌تان نگذاشته‌ام. شما رأس ساعت ۱۴ مده‌ام و هر انتقادی را هم گوش کرده‌ام، اما اگر منظور‌تان از احترام این است که نظرات انتقادی‌تان را بپذیرم و در کار بعدی‌ام لحاظ کنم، باید بگویم من اهل چنین کاری نیستم. یکی گفت: شاید چون ما خواننده‌ی معمولی هستیم نظرم‌ان را قبول نداری. جواب

#### همسایه اما دور

**یاعلی گفتیم و…**



مگر جشنواره‌ی شعری باشد. چندی قبل دو کار پژوهشی او را «مردم‌شناسی ارتباطات خودمانی» و «مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی» که کاری تحلیلی بر پدیده‌ی پیامک ایران است و به چاپ سوم رسیده بود، می‌خواندم. کتاب‌های جالبی است و همین بهانه‌ای شد که گوشه‌ی را بردارم و خبری از او بگیرم؛

هنوز در روزنامه‌ی جام‌جم مشغول هستم و کارهای پژوهشی را دنبال می‌کنم. همچنین مراحل نهایی چاپ مجموعه نثرم را دنبال می‌کنم کتابی ۲۷۴ صفحه‌ای به نام «همه خط‌ها موازی‌اند» که شامل دو بخش «نیروانا» و «نام علی دهان شهر را شیرین می‌کند» است و متنی بین شعر و نثر دارد و در آن مسائل شخصی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی پرداخته‌ام.

طبق روال چند سال گذشته عضو شورای سیاست‌گذاری جشنواره بین‌المللی شعر فجر امسال نیز هستم و قیل از آن عضو شورای سیاست‌گذاری و شورای اجرایی همایش «شاعر ایران و جهان» که مهرماه امسال با حضور ۳۰ شاعر خارجی برگزار می‌شود، هستم.

دبیر این جشنواره موسی بیدج است و شاعران خارجی از آمریکای لاتین گرفته تا آسیای میانه در آن شرکت می‌کنند و در شهرهای تهران، اصفهان و شیراز برگزار می‌شود.

در مورد ۳۰ کتابی که قرار بود؛ آثار سی شاعر فوت‌شده‌ی بعد از انقلاب به سفارش معاونت فرهنگی - هنری وزارت ارشاد اسلامی و با همکاری شاعران و پژوهش‌گران مختلف به مدیریت بنده تهیه شده، بعضی از این آثار برای داوری رفته‌اند و بخش دیگری نیز به پایان کار خود نزدیک شده‌اند و با توجه به این که خانم طاهره صفارزاده د‌کتر غلامرضا رحمدل تازگی‌ها در گذشته‌اند احتمالاً این آثار به رقم ۱۲۲ اثر افزایش پیدا کند. در مورد شعرهای خود، مردم می‌توانند فعلاً من را به نام «این کتاب اسم ندارد» و «یاعلی گفتیم و عشق آغاز شد» بشناسند.

می‌گویم: خوش باشید و گوشه‌ی را می‌گذارم.

#### به صرف کمی شعر

#### زخم‌زبان‌ها

خدایا تاخ می‌بینم سرانجام جوان‌ها زمانه سرمه می‌ساید شکست استخوان‌ها را
فقداری روزگاران، زخم‌از تیغ خودی خوردن میان خون و خنجر بازی زخم‌زبان‌ها را
خمیر و ناتوا، دیوانه شداز این همه هیزم خدایاشور این آتش فروشان سوخت‌تان‌ها را
به نام نامی طوفان و دریا بال خواهیم زد
کلاغانی که می‌بیند پد راه آسمان‌ها را!
به ملاحان بگوفت ملاحظت نیست این شب‌ها بگوطوفان
بگو پایین نیاور بادبان‌ها را-
دهان موج را باید ببندد تربت مولا
بگو باید تحمل کرد یک چند این تکان‌ها را
چرا اهل سیاست منطق حکمت نمی‌دانند
خدایا بار دیگر بعثتی بخشاشبان‌ها را

**علی رضا قزوه**

#### انتظار

انتظار از در شروع می‌شود
و تا من ادامه دارد
تا من که در ربه‌رو همیشه نرفته‌ام
وقتی که فکر می‌کنم به تو
سرم کره‌ی جغرافیاست
چیزی در سردارم
بیا تا برایت بگویم
بیا تا سرم زبانه را به باد دهد
من مثل آبروفتی
من ربه‌رو همیشه نرفته‌ام
انتظار از در شروع می‌شود

**مهدی آخرتی**

## روایت سرگشتگی شاعر

**زبیاخوانی «سین‌یف نوین» سروده‌ی «کاوه سلطانی»**



می‌اندیشم بشر را هیچگاه خانه‌ای نبوده است /می‌خواهم به‌خانه برگردم /به‌اتاقم با آن شمعدانی‌های پشت پنجره‌اش / که در نور پشت پنجره حل می‌شوند / هر چند هیچ‌گاه انسان اتاقی برای خود / و یک گلدان برای خود / و یک پنجره در اتاقش / نداشته است ... / (شمعدانی‌ها - صص ۱۰۹ و ۱۱۰)

و اغلب «مدرن» است که در صدارالته‌ی تصویر یک عشق نیمه فلسفی - نیمه شهودی می‌باشد:

■ **برایم چای بالبخند می‌آوردی /و چای با لبخند /نرسار بید، نخست از این مضمون‌ها که معمولی و بازاری است**
بهریز بید؛ زیرا دشوارترین مضامین همین هاست... اما کاوه سلطانی با «عاشقانه‌های فلسفی» اش نشان داده است که می‌توان «عاشقانه» نوشت و «خوب» نوشت؛ کاوه بیست و دوساله که به‌دلیل سبک خاص زندگی‌اش کمتر در جمع‌های ادبی مشهد حاضر می‌شود، در خلوت نه چندان خلوت خود «شعر»‌هایی آفریده است که علی‌رغم برخی کاستی‌ها، نویدبخش ظهور شاعری توانمند در روزهای آینده‌ی شعر ایران است. «سین‌یف نوین»، مجموعه شعر کاوه سلطانی، در ۱۷۴ صفحه شامل چهار فصل می‌باشد که فصل آخر آن به‌شیوه‌ی معمول بسیاری از مجموعه‌های منتشرشده‌ی سال‌های اخیر به «سروده‌های کوتاه» شاعر اختصاص یافته‌است.

اگر از بزرگ‌ترین ضعف این مجموعه یعنی «چندگانگی زبانی» هم در سراسر کتاب به صورت عام و هم در هر کدام از سروده‌ها به‌طور خاص « چشم پوشی کنیم و بحث و بررسی در مورد سایر ویژگی‌های خوب و بد این اشعار را برای فرصتی دیگر بگذاریم، آن چه می‌تواند به‌عنوان «شاه کلید» در سین‌یف نوین» ما را برای ورود به کاخ شعر «سلطانی» ترغیب کند، تلیق «فلسفه» و «عرفان» در قالب کلماتی گاه «کهنه»